

# آدم ربایی ؛ سناریوی عجیب ۲ خواهر برای ترک اعتیاد پدر کارخانه دار

21 فروردین 1404

دختران مرد کارخانه دار برای این که برادر کوچک‌شان در دام اعتیاد گرفتار نشود، پدرمعتادشان را ربوده و 4 روز در کارخانه متروکه زندانی کردند تا او را مجبور به ترک مواد کنند.

چند روز قبل پسر جوانی خبر ناپدید شدن پدر میانسالش را به پلیس اعلام کرد و گفت: «یکی از خواهرانم به نام میترا که در اروپا زندگی می‌کند برای تعطیلات نوروز به ایران آمد. روز گذشته همراه پدرم از خانه خارج شد اما وقتی برگشت پدرم با او نبود. زمانی که سراغ پدرم را از او گرفتم مدعی شد که بین راه از هم جدا شده‌اند و دیگر خبری از او ندارد. احتمال می‌دهم پدرم را ربوده باشند چون او کارخانه دار و پولدار است.»

با این شکایت، بازپرس احسان شکیب‌نژاد از شعبه دهم دادرسی جنایی تهران دستور تحقیقات برای یافتن مرد 65 ساله را صادر کرد. کارآگاهان در اولین گام به سراغ میترا رفتند. وی در تحقیقات مدعی شد: با پدرم برای خرید از خانه خارج شدیم و بعد از انجام کار، پدرم از من جدا شد و دیگر خبری از او ندارم.

با شروع تحقیقات فرضیه آدم ربایی مرد ثروتمند قوت گرفت. اما از آنجا که هیچ تماسی برای دریافت پول یا اخاذی از سوی آدم ربایان احتمالی صورت نگرفته بود این فرضیه کمرنگ شد. در حالی که 5 روز از ناپدید شدن مرد میانسال گذشته بود وی به دادرسی امور جنایی پایتخت رفت و از دو دخترش به خاطر آدم ربایی شکایت کرد.

او زمانی که مقابل بازپرس شعبه دهم دادرسی امور جنایی پایتخت قرار گرفت، گفت: «روز حادثه همراه دخترم از خانه خارج شدیم. در حال پیاده روی بودیم که ناگهان دختر دیگرم به نام مینا با خودرواش مقابلمان توقف کرد. من و میترا سوار ماشین او شدیم اما مینا به خارج از شهر و سمت کارخانه‌ام رفت. البته مدتی قبل به خاطر مشکلاتی که داشتم کارخانه‌ام را تعطیل کردم و متروکه شده بود. در کمال ناباوری دخترانم با تهدید دست و پایم را بسته و هر چند ساعت یکبار هم برای دادن غذا به سراغم می‌آمدند. چهار روز در همان وضعیت بودم و درنهایت آنها به سراغم آمده و مرا به خانه بردند اما تهدید کردند که حق ندارم از این ماجرا حرفی بزنم.»

به دنبال اظهارات مرد میانسال به دستور بازپرس پرونده، دو دختر مرد کارخانه دار بازداشت شدند.



میترا و مینا که در برابر مدارک پلیسی قرار گرفته بودند به ربودن پدر خود اعتراف کردند. میترا در این خصوص گفت: «پدرمان مواد مصرف می‌کند و برادرمان که دانشجوی مقطع لیسانس است نیز با او زندگی می‌کند. از آن جا که پدرم در خانه بزم راه می‌اندازد و دوستانش را برای مصرف مواد دعوت می‌کند ما می‌ترسیدیم برادرمان هم معتاد شود او حتی درسش را نیمه تمام رها کرده بود.

به همین دلیل تصمیم گرفتیم تا زمانی که در ایران هستم پدرم را ترک بدهم و برادرم بتواند به راحتی زندگی کند. قبل از این نیز چندین بار پدرم را برای ترک به کمپ برده بودیم اما هر بار بی‌فایده بود. برای ترک اعتیاد به چند کمپ سر زدیم، اما تمامی آنها می‌گفتند آخر سال است و پذیرش ندارند. بنابراین تصمیم گرفتیم خودمان پدرمان را ترک بدهیم. با مینا، او را به کارخانه متروکه اش برده و دست و پایش را بستیم تا ترک کند. ما تصور نمی‌کردیم که برادرم موضوع را به پلیس خبر دهد. وقتی فهمیدیم پلیس دنبال پدرم است او را رها کردیم.»

با اظهارات دو دختر جوان، به دستور بازپرس شعبه دهم دادرسی امور جنایی پایتخت، آنها بازداشت شده و تحقیقات در این خصوص ادامه دارد.

**مرضیه همایونی**